

ادامه از صفحه ۷

بی‌ندبیری دراستخدام‌زنان

و اگر آقای روحانی یادشان باشد، ایشان هم وعده‌های جذاب‌تری در موضوع اشتغال به زنان ایرانی داده بودند.

یکی از وعده‌های روحانی این بود که «در دولت ما تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعداد‌های علمی، پژوهشی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مدنظر است. اینکه زنان بخواهند در خانه یا بیرون از خانه کار کنند اساس این گفتار ناپسند است؛ چراکه انتخاب با خود آنان است و زنان برای برگزیدن نقش خود نیازی به قیم ندارند.»

رئیس دولت تدبیر و امید البته پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری و در بزنگاه تبلیغاتی همچنین گفته بود: «در پنج سال گذشته، ۲۳درصد از حضور زنان شاغل کاسته شده و باید نسبت اشتغال زنان با نسبت اشتغال به تحصیل آنها برابری کند و در دولت آینده این نسبت نزدیک می‌شود.»

حالا دوسالی می‌شود که روحانی روی کار آمده، برخی تلاش‌ها در حوزه زنان به ثمر رسیده و حالا دولت توانسته امکان ورود زنان به ورزشگاه‌ها را نهایی کند. اما یادمان نرود اشتغال دیری است که نخستین اولویت زن ایرانی است و انتظار می‌رود مسئولان به‌جای پرداختن به برخی حاشیه‌ها سراغ اصل مطلب بروند.

فقدان دسترسی به بازار کار به‌ویژه با شرایط ویژه اجتماعی امروز جامعه در فاصله‌ای نزدیک، موجی از سرخوردگی اجتماعی در میان زنان ایران به وجود خواهد آورد. این سرخوردگی می‌تواند با بروز انواع آسیب‌های اجتماعی همراه باشد.

فارغ از آگهی استخدامی تبعیض‌آمیز دولت تدبیر و امید در آستانه سال جدید، انواع تبعیض‌های نانوشته در بازار کار ایران علیه زنان در جریان است و روا نیست چنین اختلاف باارزی در استخدام‌های دولتی مکتوب و در قالب بخشنامه رسمی استخدام ابلاغ شود. آن‌هم در دولتی که وزیر کارش جامعه‌شناس است و انتظار می‌رود بیش از اینها با زوایای عدالت جنسیتی آشنا باشد.

سیاست‌های جهانی به سمت‌وسویی رفته که با درنظرگرفتن تبعیض مثبت در استخدام‌ها فرصت بیشتری برای جذب زنان فراهم می‌شود اما در ایران متأسفانه روند به‌گونه‌ای است که انتهاها هیچ گام عملی برای توسعه اشتغال زنان برداشته نشده که گاه‌گداری این مردان هستند که از تبعیض مثبت دولت‌ها بهره‌مند می‌شوند. مانند سیاست‌های جذب دانشجو که به‌ویژه در سال‌های حضور احمدی‌نژاد در سیستم آموزش عالی ایران به‌کار بسته شد و به ایجاد سهمیه ویژه برای ورود مردان به دانشگاه‌ها منتهی شد.

گام‌های دولت روحانی در پاسخ به وعده‌هایی که به زنان داده، آهسته به نظر می‌رسد و پسندیده نیست دولت در شلوغی دستاورد هسته‌ای این‌روزها، به سادگی از کنار شعارها و وعده‌هایی بگذرد که روزی به‌سادگی بر زبان آورده و در قالب وعده مطرح ساخته است. دولت باید جدی‌تر از اینها به فکر سرخوردگی میلیون‌ها زن ایرانی باشد که در بازار کار جایی به آنها اختصاص داده نشده است.

خامسا- در عین اینکه توجه

ادامه از صفحه۷

سازمان‌یافته، نظیر سوءاستفاده از دختران و زنان و کودکان و به‌ویژه مقوله قاچاق انسان به منظور سوءاستفاده‌های جنسی، بسیار لازم است؛ اما نسبت به استفاده ناروا از وجود این‌عنوان در قانون، برای تجسس و هتک حرمت حریم خصوصی و حیثیت مردم باید حساس بود (فتامل). درهرحال به نظر می‌رسد خلاصه‌کردن صدر ماده، موجبی نداشته، بلکه می‌بایست عبارت «یا سازمان‌یافته یا به عنف» به صدر ماده قبل اضافه می‌شد.

ت- یکی از شاهکارهای طرح اصلاحی به قرار آتی است:

ماده ۴۸ قانون می‌گوید:

با شروع تحت‌نظر قرارگرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه‌بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت‌نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارایه دهد.

تبصره- اگر شخص به علت اتهام ارتکاب به یکی از جرایم سازمان‌یافته یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، موادمخدر و روانگردان یا جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت‌نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت‌نظر قرارگرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

در ماده ۱۹۰ قانون آمده است:

متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس، به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه، متهم احضار شود، این حق در برگه احضاربه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بدانند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت‌مجلس نوشته می‌شود.

تبصره ۱- سلب حق همراه‌داشتن وکیل یا عدم‌تفهم این حق به متهم، موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود. تبصره۲- در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.

تبصره ۳- در مورد این ماده و نیز چنانچه، اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مقاد ماده ۱۹۱ جاری است.

طراحان محترم در ماده ۷ طرح تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۹۰ قانون را به شرح ذیل اصلاح فرموده‌اند: تبصره ۱- سلب حق همراه‌داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، موجب مجازات انتظامی درجه چهار است.

تبصره ۲- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا به تشخیص قاضی از حضور غیرمتهم بیم فساد برود و همچنین درخصوص جرایم علیه امنیت کشور یا جرایم سازمان‌یافته، حضور وکیل در مرحله تحقیق حسب مورد با اجازه دادستان یا بازپرس است.

ماده ۴۸ در عین اینکه مثبت ارزیابی می‌شد، به علت وجود تبصره‌اش، مورد انتقاد حقوق‌دانان بود؛ اما طراحان محترم در قسمت اخیر ماده ۷ طرح خود، خیال همه را راحت کرده چنین مرقوم فرموده‌اند: «توجه: با عنایت به تبصره فوق (یعنی تبصره ۲ پیش‌گفته) پیشنهاد حذف ماده ۴۸ قانون می‌شود!! به عبارت روشن‌تر باید گفت طراحان محترم حق دفاع موضوع اصل ۳۵ قانون اساسی و ضوابط ماده‌واحده انتخاب وکیل به وسیله اصحاب دعوا،



مجسمه زن عدالت که ترازو را در دست دارد

مصوب ۱۳۷۰ را در مرحله تحقیق کلا بی‌فایده و غیرلازم تشخیص داده‌اند. حال آنکه این موضوع پیش‌ازاین در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و با این استدلال که قانون آیین دادرسی کیفری در حال تدوین است و مساله ضمن آن حل خواهد شد، از دستور خارج شده بود.

خلاصه اینکه، مادتین ۴۸ و ۱۹۰ قانون که حقوق‌دانان

ایران برای تصویب آنها زحمت بسیار کشیده و پس از درجشان در قانون، فخر فراوان فروخته و «یز» بی‌نهایت داده بودند، عملاً «به هوار رفت». نتیجه این «اصلاحات» این است:

اولا- با حذف ماده ۴۸، آن آرزوی قدیمی، که همچنان‌که در فیلم‌ها دیده‌ام، هنگام دستگیری حق داشتن وکیل به متهم تفهیم شود، هرگز محقق نخواهد شد، حتی با استثنائات تبصره ماده ۴۸. ثانیاً- هرچند در متن ماده ۱۹۰ تصریح شده که در احضار متهم

باید حق همراه‌داشتن وکیل قید و به او ابلاغ شود؛ اما ضمانات اجرای عدم‌رعایت این حق صرفاً مجازات انتظامی درجه ۴ است و به تحقیقاتی که در غیاب وکیل انجام شده لطمه‌ای نمی‌خورد. هرچند قسمت دوم اصل ۳۸ قانون اساسی هم، همین حکم را اعلام کرده است؛ زیرا «اجبار» به شهادت و اقرار یا سوگند ممکن است لزوماً به مفهوم «شکنجه‌دادن» فرد نباشد.

ج- ماده ۱۳ طرح، مهلتی یک هفته‌ای برای انشای

اصلاح قانونی که هنوز اجرا نشده است

اینکه مرجع تجدیدنظر یا فرجام آرای دادگاه‌های انقلاب، شعب خاصی از دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان‌عالی کشور یا انتخاب رئیس قوه‌قضاییه باشد قابل توجه و قبول نیست.

تخصصی‌کردن کار شعب برحسب نوع دعاوی شاید پذیرفتنی باشد و حتی مثبت ارزیابی شود؛ اما تخصیص شعب خاص برای رسیدگی که آرای یک مرجع خاص، حاصلی جز نشر شبهه و ایجاد تردیدهای گوناگون در اذهان ندارد، «چرایی»‌های بی‌جوابی را مطرح می‌کند.

بالاخره با حذف تبصره ماده ۴۰۴ قانون، در این خصوص که اعضای دادگاه و هیات منصفه پس از ختم رسیدگی تا صدور رای و اعلام آن هم، همین حکم را اعلام کرده است؛ زیرا «اخبار» به شهادت و اقرار یا سوگند ممکن است، لزوماً به مفهوم «شکنجه‌دادن» فرد نباشد.

ج- ماده ۱۳ طرح مهلتی یک هفته‌ای برای انشای رای به دادگاه کیفری یک داده و تشریفات قرائت رای و تفهیم آن را به متهم حذف کرده به تعیین وقت رسیدگی به تغییر و حالت غیرالزامی تبدیل و تبصره عجیبی را به ماده اصلاحی اضافه کرده‌اند:

تبصره- در صورتی که نظر دادگاه تجدیدنظر بر نقض رای صادره از دادگاه بدوی باشد، تعیین وقت رسیدگی به شرح بالا الزامی است. مفهوم این تبصره این است که دادگاه تجدیدنظر بعد از آنکه پرونده و لوایح طرفین را مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که رای بدوی باید نقض شود، باید با تعیین وقت رسیدگی و طرفین را دعوت کرد!

حال این سوال قابل طرح است؛ رسیدن دادگاه تجدیدنظر به این نتیجه و نظر که رای بدوی باید نقض شود؛ یعنی وصول دادگاه به راحتی که از نظر وجدانی و درونی قاعده فراغ دادرسی را بر ذهن و روح قاضی حاکم می‌کند، در چنین حالتی تعیین وقت رسیدگی چه خاصیتی دارد؟!

از طرفی وقتی طرفین احضار می‌شوند با آگاهی‌هایی که از این تبصره دارند، ناچار این تردید و شبهه در ذهنشان خواهد بود که آیا دادگاه به لزوم نقض رسیده است یا به طور عادی تعیین وقت را ضروری دانسته؟ این می‌تواند مقاسد و سوءاستفاده بسیار را باعث شود (فتمل)

خ- در ماده ۱۸ مهلتی یک‌ساله پس از انتشار برای لازم‌الاجراءشدن قانون پیش‌بینی شده است که در صورت تصویب، نظم کار را کاملاً برهم خواهد زد؛ چون قانون اصلی قرار است در اول تیرماه ۱۳۹۴ با قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح اجرا شود. با فرض تصویب این قانون- که امیدواریم تصویب نشود- زمان اجرای اصلاحیه ممکن است بر زمان قبلی منطبق نگردد.

۴- نتیجه

الف- اینکه قانونی که قریب به ۹ سال صرف تدوین و تصویب آن شده، چهار یا شش‌ماه پس از تصویب نیاز به اصلاح پیدا کند، محتاج بررسی و آسیب‌شناسی است. ب- قوه‌مقننه و شورای نگهبان وظیفه خود را انجام داده‌اند و به آنها ایرادی نمی‌توان گرفت.

ب- بررسی در مورد مجری قانون و قوهای که قانون

در پاسخ به نیازهای آن و به وسیله خود آن تنظیم و

تدوین شده، باید انجام شود.

ت- اینکه به عنوان اصلاح قسمت مربوط به حق دفاع مردم در قانون ایتر و خنثی شود، به‌هیچ‌وجه، قابل قبول نیست.

ث- در تدوین سایر قوانین، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مجریه، باید به «نیرساخت‌ها و امکانات» از آغاز توجه شود نه در پایان کار.

والله اعلم

سودوکو سخت ۱۲۲۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۲۲۷

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹	۷	۳	۵	۴	۱	۸	۲	۶
۵	۱	۲	۹	۸	۳	۷	۴	۶
۸	۶	۴	۷	۲	۳	۱	۵	۹
۶	۴	۸	۲	۷	۹	۵	۱	۳
۱	۵	۹	۸	۱	۵	۴	۶	۷
۳	۷	۴	۶	۲	۹	۸	۵	۱
۲	۹	۶	۱	۸	۷	۲	۳	۵
۷	۸	۵	۴	۳	۲	۶	۹	۱
۲	۳	۱	۹	۵	۷	۴	۸	۶

۵	۳	۷	۱	۴	۲	۸	۶	۹
۹	۶	۲	۵	۸	۳	۴	۱	۷
۱	۸	۴	۷	۹	۶	۳	۲	۵
۷	۵	۸	۳	۲	۱	۹	۴	۶
۲	۱	۶	۴	۷	۹	۵	۸	۳
۴	۹	۸	۶	۵	۲	۷	۱	۳
۳	۲	۹	۶	۱	۴	۷	۵	۸
۸	۴	۱	۹	۵	۷	۶	۳	۲
۶	۷	۵	۲	۳	۸	۱	۹	۴

۹	۷	۳	۵	۴	۱	۸	۲	۶
۵	۱	۲	۹	۸	۳	۷	۴	۶
۸	۶	۴	۷	۲	۳	۱	۵	۹
۶	۴	۸	۲	۷	۹	۵	۱	۳
۱	۵	۹	۸	۱	۵	۴	۶	۷
۳	۷	۴	۶	۲	۹	۸	۵	۱
۲	۹	۶	۱	۸	۷	۲	۳	۵
۷	۸	۵	۴	۳	۲	۶	۹	۱
۲	۳	۱	۹	۵	۷	۴	۸	۶

جدول ۲۲۲۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۶	۳	۵	۴	۲	۸	۷	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵
۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۳	۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵

ادامه از صفحه ۶

تشکیل اتاق فکر جهانی درمقابل بنیادگرایی

اگر تبعیض نبود و اگر با مسلمانان مثل بقیه برخورد می‌شد، شاید کمتر این مسائل پیش می‌آمد. البته احتمال دیگری که در این ارتباط وجود دارد این است که شاید پشت جریان افراط و اسلام‌هراسی، دولت اسرائیل و صهیونیزم هم فعال باشد. قابل‌تأمل است حوادثی در شرایطی رخ می‌دهد که دولت‌های اروپایی مواضع انعطاف‌پذیرتری نسبت‌به فلسطینی‌ها اتخاذ کرده و تحت‌تأثیر فشارهای اسرائیل هم قرار نمی‌گیرند. برای تحلیل درست این ماجرا باید به بررسی این موضوع پرداخت که از این حوادث چه جراینی سود می‌برد و چه جراینی آسیب می‌بیند و نزدیکی اسلام و مسیحیت به سود کیست و از تقابل اسلام و مسیحیت و بدبینی مسلمانان و مسیحیان نسبت‌به یکدیگر چه‌کسی بهره می‌برد؟

پس از موضع‌گیری‌های اخیر اروپا، به‌ویژه فرانسه به‌نفع ایجاد دولت فلسطین، احتمال دخالت سازمان‌های وابسته‌به صهیونیزم در حوادث تروریستی فرانسه تقویت می‌شود. این اقدام می‌تواند از یک‌سو اروپا را نسبت‌به اسلام و به‌تبع آن فلسطین بدبین یا حداقل بی‌تفاوت کند و ازسوی‌دیگر جامعه نسبتاً آرام اروپا را با حس انتقام‌گیری دچار اضطراب کند و سوم اینکه جهت تنش‌های موجود را تغییر داده به تنش میان مسلمانان و اروپاییان انتقال دهد. جورج بوش حساب‌شده یا بی‌دقت در یکی از سخنان خود از جنگ‌های صلیبی نام برد و شاید همین جمله هم از آموزه‌های صهیونیست‌ها باشد.

بنابراین چه‌بسا از زاویه‌ای دیگر جریان افراط در اسلام ریشه در خارج از اسلام داشته باشد و آنان که می‌خواهند چهره اسلام را مشوه کنند نفوذی‌هایی را برای ضربه‌زدن به اسلام برگزینند و ماموریت افراطی‌گری را دانسته یا ندانسته به آنها واگذار کنند. بعید نیست جریان صهیونیستی برای اینکه دعوای بین اسلام و مسیحیت اصل نشود و صهیونیست‌ها از این دایره خارج شوند، به افراطی‌گری اسلامی دامن بزنند. بنابراین شما می‌بینید کل جریان افراط اسلامی با صهیونیست‌ها کار می‌دارند. همه تلاش، کشتار شیعیان و اهل سنت و مسیحیان است. سیدحسن نصرالله درباره دو تیمبیلی که در مرز جولان از سوی اسرائیل هدف قرار گرفت و تعدادی از اعضای حزب‌الله و سپاه در آن حادثه به شهادت رسیدند، گفت چرا جبهه النصره که در کنار مرز فعال است و مدام هم افراد آن رفت‌وآمد می‌کنند، یک‌بار هدف موشک‌های اسرائیل قرار نمی‌گیرند؟ و حتی مجروحانشان را هم، آنها درمان می‌کنند، اینها شبهه‌برانگیز است. من فکر می‌کنم اینکه منشأ افراط در ادیان، برون‌دینی یا درون‌دینی است، قابل‌بررسی است. بر همین اساس فکر می‌کنم در حکومت‌ها هم نسبت به کسانی که افراط در تقرب و تملق می‌کنند، بیشتر باید ملاحظه و مواظبت کرد تا کسانی که انتقاد می‌کنند. آن کسی که انتقاد می‌کند خیلی معنی ندارد وابسته به جایی باشد. چیزی که می‌تواند موثر باشد، نفوذ است، نه مقابله و تاثیرگذارترین حربه برای نفوذ، پیگیری خط افراط و مبالغه و غلو است. یعنی در هرجایی که هستی، تو داغ‌ترین آدم باش، اگر داغ‌ترین آدم باشی، دیگر به تو شک نمی‌کنند.